یادداشت

ماه مهر سرمایه نمادین جامعه ایرانی

حجت‌اله میرزایی

■ سرمایه‌های نمادین، سرمایه‌های ارزشمند و ارزش‌های ماندگار و مشترک جامعه و ذخیره‌ای همیشگی برای یک جامعه‌اند که با تغییر افراد و تحول احوال، کاستی نمی‌پذیرند، زاینده و خودفزاینده‌اند و نگاه‌دارنده و ذخیره‌کننده بلکه زمینه و سرمایه اصلی جامعه برای تولید سایر انواع سرمایه‌های اقتصادی، انسانی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی‌اند. سرمایه‌های نمادین ممکن است از جنس طبیعت باشند چون دماوند و خلیج‌فارس یا از جنس سرمایه‌های انسانی باشند چون پیامبر اکرم در میان مسلمانان یا ابن‌سینا و فردوسی و مولانا، از جنس سرمایه‌های فیزیکی باشند چون میدان نقش جهان؛ یا از جنس سرمایه‌های فرهنگی باشند چون قرآن عزیز و نهج‌البلاغه ماندگار یا از جنس سرمایه‌های سیاسی. ماه مهر نیز در جامعه ایرانی به‌تدریج به سرمایه‌ای نمادین و میراثی ارزشمند و ماندگار بدل شده است. با بقیه روزها و ماه‌های سال در ذهن و اندیشه و رفتار ما جایگاه متفاوتی دارد. ارزش بزرگ مهرماه، برافراشتن دوباره پرچم درس و مدرسه است، آغاز دوباره شور و هیاهوی آموختن و آموزاندن و نوشتن و خواندن و کاویدن در مدرسه و دانشگاه است. مهرماه تجلی بزرگ پروردگاری است که اولین سخنش با پیامبر بزرگ اسلام دعوت به خواندن بود و به قلم و نوشته‌های مقدس آن سوگند یاد کرده است. شاید کمتر مناسبت و سرمایه نمادینی بتوان یافت که تا این حد ارزش‌های مشترک فرهنگ دینی، فرهنگ باستانی ملی و ارزش‌های انسانی دوران جدید را درخود همراه داشته باشد. شور و اشتیاق مهر و مدرسه اما فقط برای آموختن و اندوختن دانش و افزایش مداوم و ناایستای دانش‌آموختگان و سرمایه‌های انسانی و تولید مستمر کتاب‌ها و مقالات و پژوهش‌نامه‌ها نیست، اگرچه رهاورد بزرگ آن است. محصول اصلی نظام‌های آموزشی عمومی و دانشگاهی را باید در تولید و تقویت سرمایه اجتماعی و توسعه و تعمیق اعتماد، مشارکت و جامعه‌پذیری و زمینه‌سازی برای بازتولید و اثربخشی سرمایه‌های انسانی و اقتصادی جامعه و شکل‌گیری ستری از اعتماد برای توسعه مداوم تولید همکارانه کالاها و خدمات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی دانست. دستاورد بزرگ نظام آموزشی تولید و تربیت انسان‌های تراز نوین برای سامان دادن نظام اجتماعی بر مبنای آموزه‌های ارزشمند آزادی، برابری، توسعه و تامین حقوق شهروندی است. رهاورد ارزشمند و بی‌بدیل نظام آموزشی باید در تعمیق عقلانیت، برنامه‌ریزی و برنامه‌پذیری، مخاطره‌جویی و کارآفرینی و شکل‌گیری و انباشت شایستگی‌های کانونی برای رهاشدن از تخته بند ناامنی‌های طبیعی و تنگناهای اجتماعی جست‌وجو شود. در یک کلام ماه مهر طلیعه روشن توسعه و سرآغاز آزادی انتخاب برای جامعه انسانی است.

ادامه از صفحه اول

«مهر»ماه و دختران دانشجو

تبعات سوء این تصمیم در فاصله زمانی کمتر از پنج سال آینده مشخص خواهد شد، زمانی که این سهمیه‌بندی بر خروجی رشته‌ها اثر منفی گذاشته و به طور غیرمستقیم بر شرایط حضور دختران در بازار کار و به تبع آن عرصه‌های عمومی جامعه تاثیر منفی مضاعفی خواهد گذاشت. از اینها گذشته چنین تصمیم‌هایی کاهنده سرمایه اجتماعی کشور است. وقتی برای انتخاب رشته نیمی از جمعیت ایران در ۹۰ رشته محدودیت ایجاد می‌شود آن‌وقت چطور می‌توان به توسعه و برابری و بسیاری دیگر از شعارها دل‌خوش کرد. چنین تصمیمی ارتباط دختران دانشجو با تصمیم‌گیران دولتی را ضعیف کرده و تبلیغات خارجی علیه ایران را افزایش خواهد داد، دختران جوان ما با هزار امید و آرزو به آموزش به‌عنوان راهکاری برای خروج از بسیاری از بن‌بست‌ها و محدودیت‌ها می‌نگرند و آن‌وقت ما در همین فرصت محدود پیش روی آنها نیز اما و اگر می‌کنیم. متاسفانه چنین برنامه‌هایی دست منتقدان را نیز باز گذاشته و به تبع آن کانال‌های ضد انقلاب روی این مساله مانور خواهند داد. البته آنها برای زنان ایران دلسوزی ندارند اما از این طرح به‌عنوان نقطه‌ضعفی برای دولت ایران در مسایل حقوق‌بشری یاد خواهند کرد. به هر شکل شاید حضور دختران در برخی رشته‌ها نیاز به بازنگری داشته باشد اما واقعیت این است که مسوولان وزارت علوم تا به امروز سندی از مطالعه و تحقیق پیرامون تصمیم اخیرشان ارایه نکرده‌اند و بیشتر تمایل به تکذیب موضوعی دارند که خودشان از تصمیم‌گیران اصلی آن بوده‌اند. آیا دانشگاه علامه طباطبایی یا بسیاری دیگر از دانشگاه‌های سراسر کشور به اراده خود در جذب دانشجویان دختر دخل و تصرف کرده‌اند؟ حتی اگر این‌طور باشد باز هم این قصور به وزارت علوم بازمی‌گردد. برخی از این پیشنهادها اگر منطقی مورد بررسی قرار گیرد چه بسا مورد تایید جامعه نیز واقع شود. همان‌طور که خانم‌ها در جامعه ایرانی برای مسایل خاص خود ترجیح می‌دهند که به پزشک زن مراجعه کنند و به همین دلیل از سال‌ها قبل تصمیم‌گیری شد تا در رشته زنان و زایمان و مامایی از پزشک عمومی زن استفاده شود که البته این تصمیم مبتنی بر مطالعه و پژوهش بود اما اینکه یک‌دفعه در ۹۰ رشته بخواهیم دختران را کنار گذاشته یا محدودیت اعمال کنیم، نه منطقی است و نه عادلانه. نکته دیگری که باید به آن اشاره شود اینکه مساله کنکور خارج از تبلیغات و اهمیت واقعی‌اش، بار روانی فراوانی بر دوش فرد و خانواده قرار می‌دهد. حالا اینکه خبر می‌رسد که بدون اعلام قبلی خانواده و افراد به یک‌باره بعد از برگزاری کنکور چنین رویه‌ای در پیش گرفته می‌شود نشانگر بی‌برنامگی است. به هر شکل مهرماه همیشه در ایران جنبشی از آموزش و آگاهی‌طلبی به راه انداخته و امیدواریم روند برنامه مسوولان به سمت‌وسویی پیش رود که برای حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و به‌ویژه آموزش بیش از اینها سرمایه‌گذاری شده و جلوی چنین سیاستگذاری‌هایی هرچه زودتر گرفته شود.

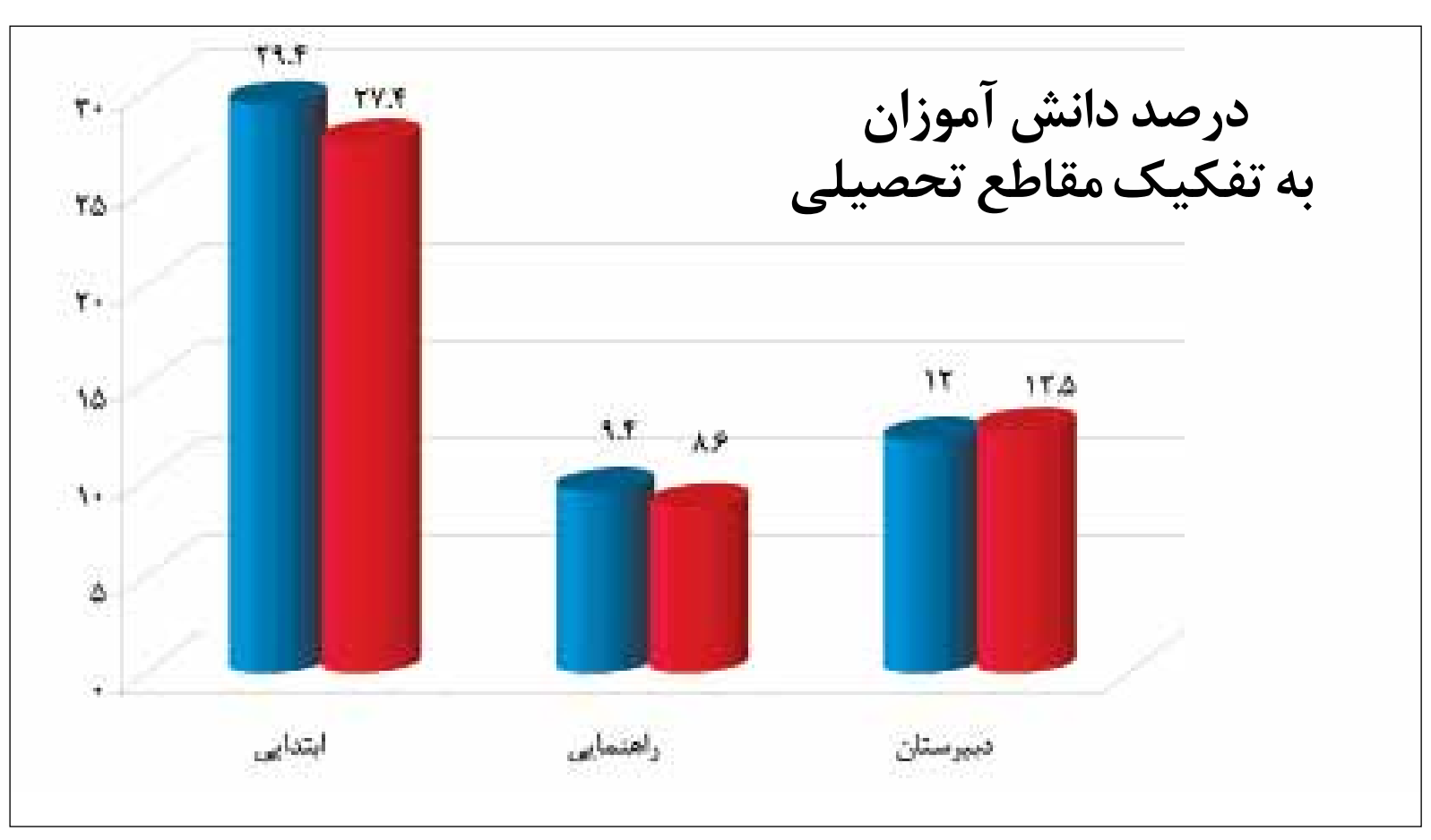
* وزیر پیشین آموزش‌وپرورش

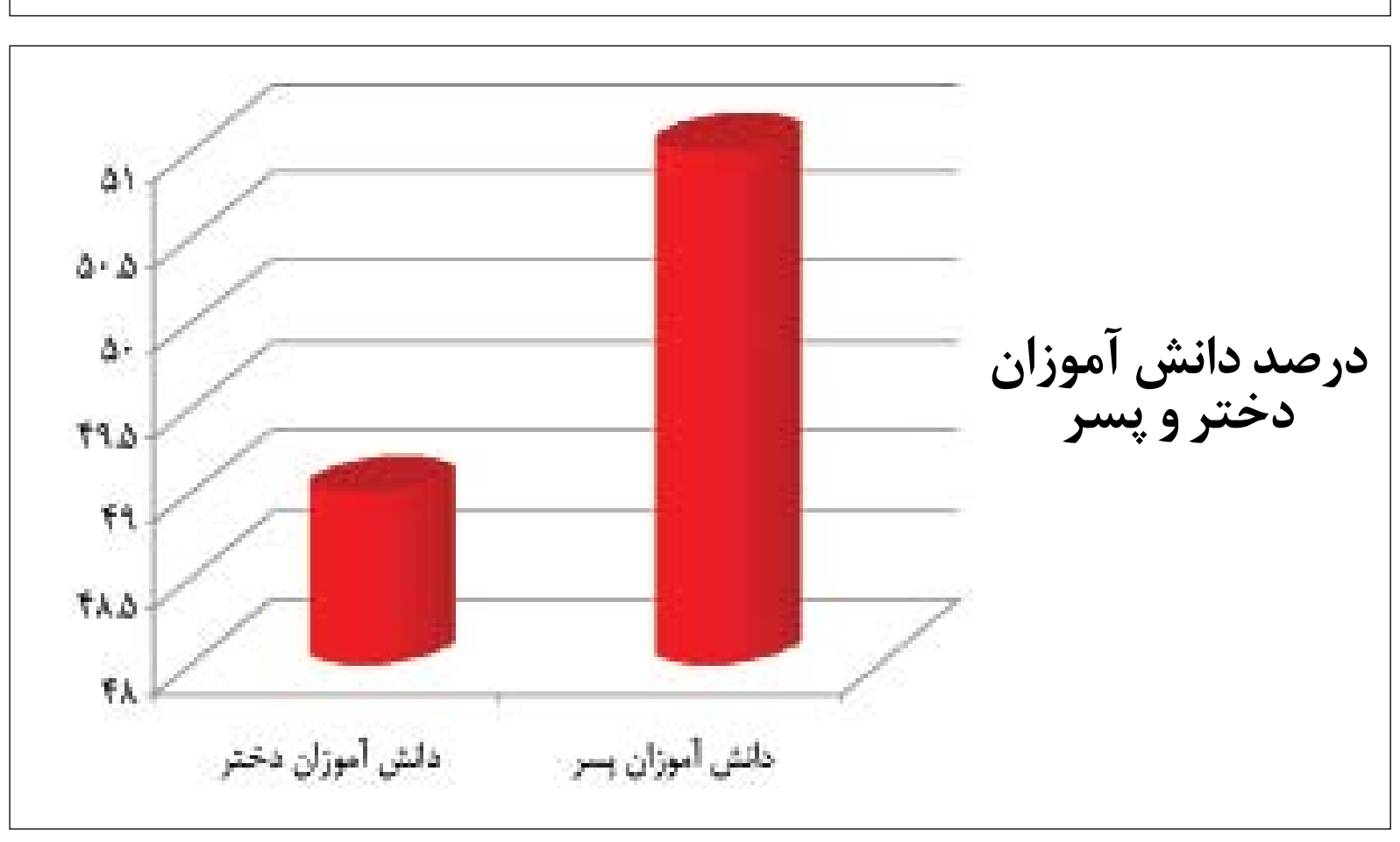
مهر آموزش

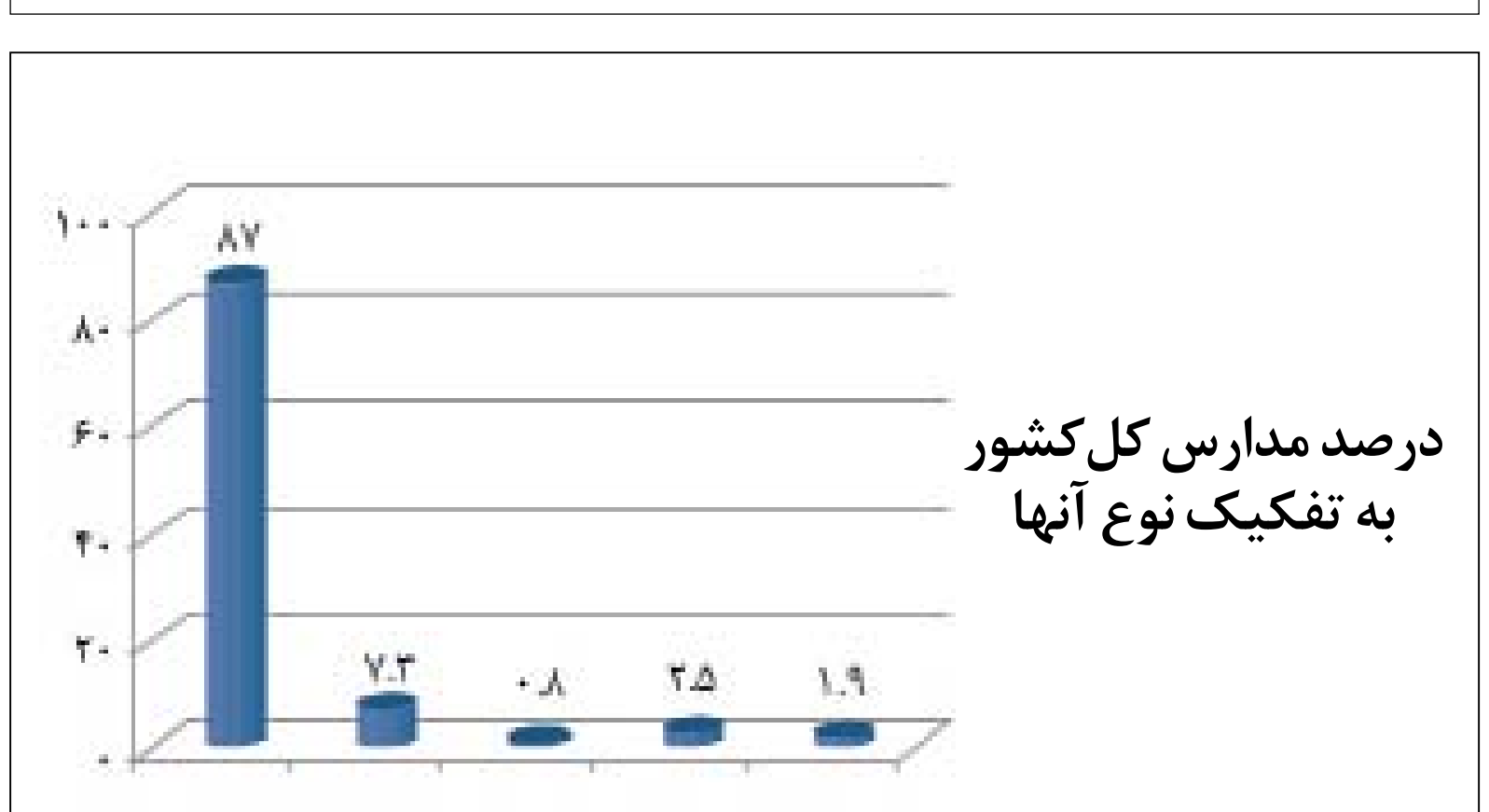
مهدی بهلولی

روزهای نخستین مهرماه، نه‌تنها در این روزگار و سده کنونی است که شور و شوق‌ها می‌آفریند، بلکه در گذشته‌های دور نیز به نزد ایرانیان، روزهای جشن مهر به شمار می‌رفته و شادی‌آفرین بوده و گویا در اسطوره‌ها، فریدون نیز در همین روزها بر ضحاک پیروز گشته است. در معنای واژه «مهر» هم، افزون بر دوستی و محبت و چند معنای دیگر، از «روشنایی» سخن رفته است، یعنی مهرماه و روز مهر، روزهای روشنایی‌اند. من البته چند سالی است که در نخستین روز مهر، سخت به یاد این شعر فردوسی می‌افتم: «همان اورمزد و همان روزمهر / بشوید به آب خرد جان و چهر». روز اورمزد، روز نخست هر ماه است و گویا در دوره هخامنشیان نیز مهرگان هم در روزهای نخست مهر بوده، پس در روز مهر، با آب خرد و روشنایی، جان و چهر شسته می‌شود و شگفت اینکه هم‌اکنون نیز در مهرماه، مدرسه‌ها بازگشایی می‌شوند: جایی که در آن، جان، با آب خرد، روشنایی می‌گیرد و از نادانی و تاریکی به در می‌آید. اما اگر بخواهیم به سراغ همین مدرسه‌ای برویم که باید نادانستگی‌ها را بزداید و نگاهی بیندازیم به حال و روز کنونی برخی از سازه‌های بنیادین آن، شاید در کنار شور و شوق‌های دوست داشتنی کودکانه، پاره‌ای دل‌نگرانی‌ها و نابسامانی‌های دل‌آزار هم دیده شود که نمی‌توان و نباید بر آنها چشم پوشید. اگر از آموزگار آغاز کنیم ناگفته پیداست که آنچه سال‌هاست سخت او را می‌آزارد و ذهن و زبانش را درگیر خویش کرده و می‌کند، نابسامانی‌ها و کمبودهای اقتصادی است. البته این تنها آموزگاران نیستند؛ کارگران و قشرهای بسیار دیگر هم با دشواری‌هایی دست به گریبانند. اما در پیوند با آموزش، نارسایی‌ها و کمبودهای اقتصادی زندگی فرهنگیان، سراسر بر کیفیت و بازدهی کارشان اثر گذاشته و می‌گذارد و به نوعی، دود این کمبودها به چشم همه می‌رود. ناگفته پیداست آموزگاری که در بند مشکلات اقتصادی زندگی‌اش گرفتار است، آن‌گونه که باید و شاید، به آموزش شاگردانش توجه نخواهد کرد. اما در سال تحصیلی‌ای که گذشت، رویدادی شگفت هم گویا بر این دل‌آزردگی افزود. داستان از این قرار است که در دی سال ۹۰، با افزایش بند بدی آب‌وهوای حکم‌های کارگزینی فرهنگیان شهرستان‌ها، به طور میانگین ۱۲۰هزار تومان به حقوق آنها اضافه شد که با توجه به گرانی و تورم کنونی و همچنین پدیده ریزگردها که چند سالی است آب و هوای بسیاری از نقاط ایران را دستخوش دگرگونی‌هایی کرده، کار درست و بجایی ارزیابی شد. اما با آغاز سال ۹۱، از گوشه و کنار شنیده شد که این افزایش، موقتی بوده و مبالغ ریخته‌شده، دوباره پس گرفته خواهد شد. اما با توجه به اینکه این افزایش‌ها در حکم‌های کارگزینی آمده بود، به هیچ‌رو باورکردنی نمی‌نمود که حقوق قانونی ریخته‌شده برای فرهنگیان، پس گرفته شود. اما متاسفانه در کمال ناباوری و با وجود دلخوری فرهنگیان، چنین شد! نخست اینکه تا پنج ماه که از سال ۹۱ گذشت، حکم‌های کارگزینی زده نشد و پس از آن هم، در حکم‌های تازه، بند بدی آب‌وهوا تقریبا صفر شد. نتیجه این شد که در سالی که تورم رسمی بیش از ۲۵درصد اعلام شده، افزایش حقوق فرهنگیان شهرستان‌ها، تنها سه تا پنج‌درصد است. دلیل این افزایش و کاهش هرچه بود بماند، رهاورد آن دلخوری و بی‌انگیزگی بیش از پیش فرهنگیان است که می‌تواند سرراست به گستره آموزش سرازیر شود. اما اگر بخواهم درباره دانش‌آموزان سخنی بگویم پیش از همه، کودکان بازمانده از تحصیل شایسته یادآوری‌اند که شوربختانه گویا شمارشان رو به فزونی است. جایی خواندم که برابر تازه‌ترین آمار، نرخ پوشش تحصیلی در دوره متوسطه، از ۶۹درصد سال ۱۳۷۸ به ۶۱درصد سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است. آنچنان هم که گفته می‌شود باید آمار کنونی کودکان بازمانده از تحصیل چیزی پیرامون چهارمیلیون نفر باشد. ناگفته پیداست که یکی از مهم‌ترین ریشه‌های این پدیده ناخوشایند و ناگوار، ناداری و تنگدستی خانواده است. البته برخی از همین کودکان بازمانده از تحصیل، پس از چند سال، سروکارشان به مدرسه‌های بزرگسال می‌افتد و خوشبختانه شماری از آنها، به دانشگاه نیز راه می‌یابند. اما بی‌گمان درصد این افراد، ناچیز است. اما از فقر که بگذریم مهم‌ترین دلیل این همه کودک بازمانده از تحصیل، کیفیت پایین آموزش، جذاب نبودن کلاس درس و مدرسه، کمبود آموزگار و مشاور باانگیزه و توانمند، پیوند ضعیف درون‌مایه کتاب‌های درسی با زندگی دانش‌آموز و آمار بالای بیکاری تحصیلکرده است. اما شاید یک دلیل دیگر این باشد که متاسفانه سپهر آموزش ایران، فرهیخته‌پرور نیست تا نفس خود درس خواندن، ارزشمند به شمار آید. این است که می‌بینیم پاره‌ای بازماندگان از تحصیل از طبقه متوسط و بالا هستند. آموزش در ایران کیفی نیست، از این‌رو دانش، ارزش ذاتی چندانی هم ندارد. حتی این روزها، بسیار شنیده می‌شود که آموزش باید با کار و صنعت پیوند بخورد تا سودمند افتد و به کار آید. آموزش‌وپرورش نیز به روش‌های گوناگون بدش نمی‌آید دانش‌آموزان را به رشته کار و دانش و هنرستان‌ها رهنمون کند- نمونه‌اش هدایت تحصیلی دانش‌آموزان سال اول دبیرستان که گویا به‌تازگی دستخوش دگرگونی شده- اما پنداری فراموش‌شده است که فرهیختگی، اخلاق و پرورش فراخور جامعه نوین از هدف‌های بنیادین آموزش- دست‌کم تا دوره متوسطه – است و نه آشنایی با کار و صنعت. بگذریم. این روزها اما حال و روز خود آموزش‌وپرورش هم به هیچ‌رو خوب گزارش نمی‌شود و با اجرای شتابان ساختار آموزشی۳-۳-۶، خبرهایی نگران‌کننده به گوش می‌رسد. برای نمونه اینکه بیش از یک‌میلیون دانش‌آموز سال ششم که امسال باید در کلاس‌های مدرسه‌های راهنمایی درس می‌خواندند هم‌اکنون ناگزیرند در دبستان‌هایی به سر برند که سال‌هاست برای پنج پایه ساخته شده‌اند و فضای آنها از کلاس درس و حیاط مدرسه بگیر تا سرویس‌های بهداشتی‌شان، فراخور شمار دانش‌آموز کمترند. از آن سو نیز پیرامون ۴۰هزار کلاس درس مدرسه‌های راهنمایی، خالی از دانش‌آموز شده‌اند. یا مساله مهم دیگر، تامین آموزگار سال ششم دبستان است. آموزگار این پایه، باید ۱۰کتاب درسی علوم، دینی، ریاضی، کار و فناوری، تفکر و پژوهش و... را آموزش دهد. ریاضی سال ششم، چیز چندانی از ریاضی اول راهنمایی گذشته کم ندارد و بی‌گمان بسیاری از آموزگاران دبستان در تدریس درست، علمی و پویای این درس با دشواری‌هایی روبه‌رو خواهند شد. در پایان هم بایدبگویم که من هنوز دلیل درست و نیرومندی در ضرورت این کار نیافته‌ام یا از زبان دست‌اندرکاران فرادست آموزشی نشنیده‌ام. در همان روزهای نخستی که از این برنامه سخن به میان آمد، پاره‌ای از مسوولان در توجیه این تغییر اعلام کردند که ساختار آموزشی ۳-۳-۶، هم‌اکنون در ۱۲۳ کشور جهان در جریان است. گرچه هیچ‌گاه نامی از این کشورها برده نشد، اما با نگاهی گذرا به ساختارهای آموزشی کشورهای پیشرفته و گوناگونی چشمگیر آنها، درستی این سخن و آمار سخت زیر پرسش است. برای نمونه در هیچ‌کدام از کشورهای فرانسه، آمریکا، آلمان و... ساختار آموزشی اینچنین نیست؛ حتی در آمریکا، هر ایالت، سیستم خود را دارد. بنابراین هنگامی که در به‌روزترین سامانه‌های آموزشی جهان، یکدستی ساختاری دیده نمی‌شود، این ۱۲۳ کشور، کدام و کجای جهان می‌توانند باشند؟ اما جالب این بود که پس از مدتی کاشف به عمل آمد که در خود سند تحول بنیادین هم ساختار ۳-۳-۳-۳ آمده است و نه ۳-۳-۶ (ناگفته نماند که در رهنامه پیش‌نویس سند ملی به ۳-۳-۶ اشاره شده اما در سند پایانی، ساختار آموزشی به چهار دوره سه‌ساله تقسیم شده است). هم‌اکنون پرسش این است که اگر به راستی ۱۲۳ کشور جهان، به‌درستی ساختاری آموزشی رسیده‌اند- که بی‌گمان باید شمار زیادی از سامانه‌های آموزش‌وپرورش کشورهای توسعه‌یافته را هم دربرگیرد- پس چرا ایران به راهی دیگر می‌رود و می‌خواهد ۳-۳-۳-۳ را پیاده کند؟

«مهرماه» متفاوت با طرح‌های پر ابهام







شرق: امروز، در حالی مشغول خواندن این گزارش هستید که ۱۱میلیون و ۵۷۹هزار و ۷۳۰ دانش‌آموز یا در حال رفتن به مدارس خود یا در کلاس‌های جدید خود در حال آشنایی با معلمان جدیدشان هستند. از مجموع تمامی دانش‌آموزان ایرانی ۸۷درصد از کل دانش‌آموزان در مدارس دولتی، ۷/۳درصد در مدارس غیردولتی، ۰/۸درصد در مدارس سمپاد، ۲/۵درصد در مدارس شاهد و ۱/۹درصد در مدارس نمونه دولتی مشغول به تحصیل می‌شوند. دختران ۵۱درصد و پسران ۴۹درصد از کل دانش‌آموزان را تشکیل می‌دهند و نسبت دختران تنها در مقطع دبیرستان بیشتر از پسران است. دانش‌آموزان پسر با سهم ۲۹/۴درصدی خود در مقطع ابتدایی و ۹/۴درصدی در مقطع راهنمایی در مقابل ۲۷/۴درصد و ۸/۶درصدی دختران سهم بالاتری را در مقاطع دبستان و راهنمایی دارند. از سوی دیگر در سال تحصیلی جدید بیشترین تعداد دانش‌آموز را استان خراسان‌رضوی با ۹۷۸هزارو۶۷۲ دانش‌آموز و کمترین تعداد را استان ایلام با ۹۰هزار و ۲۴۸ نفر به خود اختصاص داده است. دانش‌آموزان دوره ابتدایی نیز امروز پس از مراجعه به مدارس خود کیف‌های درسی‌شان را از کتاب‌های درسی پر می‌کنند و این در شرایطی است که رییس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش‌وپرورش با بیان اینکه کمبود کتاب درسی نداریم، عنوان کرده است: توزیع کتاب درسی مدارس ابتدایی، فنی و حرفه‌ای و کاردانش از فردا در مدارس انجام می‌شود. همچنین مراسم‌های نمادین نواختن زنگ مدارس به رسم سال‌های گذشته، ساعت‌ها شوق دانش‌آموزان برای نشستن در کلاس درس را به تعویق می‌اندازد به طوری‌که قرار است امروز صبح مراسم بازگشایی مدارس با حضور ۱۹ مسوول لشگری و کشوری برگزار شود. در طرف مقابل وزیر آموزش‌وپرورش طی اظهاراتی در آستانه سال تحصیلی جدید عنوان کرده است: ما در حالی این مهر را آغاز می‌کنیم که برای اولین‌بار، آموزش‌وپرورش دارای نقشه راه است و سند تحول که بر اساس فلسفه تعلیم و تربیت است را اجرا می‌کند. استقرار نظام جدید آموزشی صدها ویژگی دارد که برخی از ویژگی‌ها را امسال اجرایی می‌کنیم و با استقرار این نظام از اول مهر به بعد کارهای نرم‌افزاری را شروع خواهیم کرد، چراکه تحول بنیادین را انجام ندادیم، بلکه آن را شروع کردیم. البته تفاوت اول مهر امسال فراتر از نمونه‌های اشاره‌شده در اظهارات وزیر آموزش‌وپرورش است. سال تحصیلی جدید در سایه نگرانی‌های کارشناسان آموزشی کشور به شکلی آغاز می‌شود که هنوز مشخص نیست اجرای عجولانه طرح‌هایی مانند ۳-۳-۶ یا ۳-۳-۳-۳ که هنوز تکلیف مسوولان آموزش‌وپرورش هم با آنها مشخص نیست، نتیجه‌بخش است تا دارای تبعات جدی. هنوز مدارس کشور روزهای پنجشنبه تعطیل هستند و وزیر عنوان می‌کند: در روزهای پنجشنبه مسوولان مدارس می‌توانند دانش‌آموزان را به اردو برده یا برنامه‌های متنوع فرهنگی، تربیتی و تفریحی برگزار کنند؛ به عنوان مثال اولیا می‌توانند یک روز در مدرسه جمع شوند و با فرزندان‌شان برنامه‌های شاد داشته باشند؛ برنامه‌های روزهای پنجشنبه، جمعه و بعدازظهرهای تمام روزها فوق برنامه و اردو خواهد بود.

ابهامات ۳-۳-۶ هنوز پابرجاست

عمده تفاوت اول مهر امسال با سال‌های گذشته افزوده‌شدن عجولانه مقطع ششم ابتدایی است. در حال حاضر ۶۰هزار معلم ابتدایی و تبدیل وضعیت‌شده امسال میزبان میهمان ناخوانده مدارس در سال تحصیلی جدید یعنی پایه ششم ابتدایی هستند؛ میهمانی که به اصرار مسوولان آموزش‌وپرورش پا به مدارس گذاشته و حتی هشدار کارشناسان مبنی بر غیرکارشناسی و عجولانه بودن این اقدام، خللی در روند اجرای آن ایجاد نکرده است. حتی نمایندههای مجلس شورای اسلامی در کمیسیون آموزش و تحقیقات با تاکید بر صدمات و تبعات اضافه شدن این مقطع نتوانسته‌اند مانع گام بلند و عجولانه مسوولان آموزش‌وپرورش شوند؛ طرحی که با توجه به سابقه حضور ۱۲ساله «مرتضی حاجی‌بابایی» وزیر کنونی آموزش‌وپرورش در مجلس و آگاهی به راه‌ها و میانبرهای قانونی به جای مجلس شورای اسلامی سر از شورای‌عالی انقلاب فرهنگی درآورد. حاجی‌بابایی نیز توانست از سکوت عملیاتی نمایندگان مجلس استفاده کند و اهداف خود را به‌راحتی پیش ببرد. حالا خانواده‌های ناآگاه از پایه ششم ابتدایی و معلمان معترض از ناکافی‌بودن آموزش‌ها برای تدریس مقطع جدید مانده‌اند و آمارهای افتخارآمیز مسوولان آموزش‌وپرورش که پشت پرده آن چیزی جز گله معلمان و تاکید بر احتمال کاهش افت تحصیلی نیست.

تعطیلی پنجشنبه‌ها هنوز در هاله‌ای از ابهام

مسوولان آموزش‌وپرورش اصرار بر تعطیل شدن پنجشنبه‌ها دارند، کارشناسان معتقدند این تعطیلی‌ها و کاهش ساعات تدریس باعث کاهش کیفیت تحصیل و افت تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود. نمایندگان مجلس از توقف یا به جریان افتادن دوباره طرح توقف تعطیلی مدارس سخن به میان می‌آورند و این وسط تنها دانش‌آموزان و خانواده‌ها در برزخ تبعات این طرح یا محسنات آن مانده‌اند. وزیر آموزش‌وپرورش نیز در این آشفته‌بازار در جدیدترین اظهارنظر خود می‌گوید: هیچ‌کس نمی‌تواند برنامه رسمی و مصوب آموزش را پنجشنبه برگزار کند. او می‌افزاید: تمام ساعات درسی مصوب دانش‌آموزان باید در روزهای شنبه تا چهارشنبه برگزار شود و پنجشنبه‌ها و بعدازظهر تمام هفته‌ها، مسوولان مدارس می‌توانند برنامه تجمیعی داشته باشند. برنامه تجمیعی به این معنی است که مسوولان مدارس می‌توانند دانش‌آموزان را به اردو برده یا برنامه‌های متنوع فرهنگی، تربیتی و تفریحی برگزار کنند؛ به عنوان مثال اولیا می‌توانند یک روز در مدرسه جمع شوند و با فرزندان‌شان برنامه‌های شاد داشته باشند؛ برنامه‌های روزهای پنجشنبه، جمعه و بعدازظهرهای تمام روزها فوق برنامه و اردو خواهد بود. وی در پاسخ به این پرسش مبنی بر اینکه «استفاده از کلمه «می‌توانند» به این معنی است که مدارس اجباری برای برگزاری برنامه در روزهای پنجشنبه ندارند»، افزوده است: بله، همین‌طور است؛ اجباری در این برنامه‌ها نیست و هیچ‌کس نمی‌تواند دانش‌آموز را در روزهای پنجشنبه و بعدازظهرهای هفته مجبور کند به مدرسه بیاید و این زمان‌ها در اختیار خانواده است. وزیر آموزش‌وپرورش ادامه داد: مسوولان مدرسه می‌توانند برنامه‌هایی را پیش‌بینی کنند و اگر خانواده‌ها راضی بودند فرزند خود را به مدرسه می‌فرستند و هیچ اجباری در این خصوص نیست؛ چراکه از نظر ما دقیقه‌ای برای تعلیم و تربیت تعطیل نیست و تعلیم و تربیت در کنار خانواده در روزهای پنجشنبه، جمعه و بعدازظهرها هم هست، اما این برنامه‌ها شکل دیگری پیدامی‌کند.

توقف ارز دانشجویی برای غیربورسیه‌ها

شرق: مصایب دریافت ارز دانشجویی تمامی ندارد. روز گذشته وزیر اقتصاد با اعلام خبر توقف ارز دانشجویی برای دانشجویان غیربورسیه، پشت پرده پرداخت‌ها و عدم پرداخت‌های ارز دانشجویی در چندماه گذشته را رو کرد. هدیه وزیر اقتصاد به دانشجویان در شرایطی است که به نظر می‌رسد این تصمیم دولت در راستای سوء برداشتی است که براساس آن تحلیل می‌شود ارز دانشجویی تنها برای دانشجویان خارج از کشور است. در حالی که این اقدام بخش زیادی از دانشجویان ایرانی که سالانه به دلایل مختلف سعی در شرکت در کنفرانس‌ها و برنامه‌های علمی دارند را از دریافت ارز دانشجویی محروم می‌کند. همچنین کابوس دانشجویان ایرانی که با هزینه‌های خود مشغول تحصیل در مراکز علمی خارج از کشور هستند را کامل‌تر می‌کند و راه آنها را برای توسل به کشورهای دیگر و برگشت به کشور را هموارتر می‌کند. سیدشمس‌الدین حسینی وزیر امور اقتصادی و دارایی درباره ارز دانشجویی در این رابطه عنوان کرده است: اصولا دو گروه دانشجو داریم؛ عده‌ای خودشان تصمیم گرفتند برای تحصیل از کشور خارج شوند که بورسیه هم نیستند و طبیعی است بانک مرکزی هیچ‌وقت برای تامین ارز آنها تعهدی نداشته و آنها می‌توانند از بازار استفاده کنند. اما در مورد کسانی که بورسیه هستند و در سازوکارهای رسمی اعزام شده‌اند آنها می‌توانند از ارز مرجع استفاده کنند. وی که در یک گفت‌وگوی تلویزیونی سخن می‌گفت، تاکید کرد: ما به اندازه کافی ظرفیت برای تربیت دانشجو در داخل کشور داریم و جز در موارد ضروری لزومی ندارد ارز را از کشور خارج کنیم. این در حالی است که دانشجویان بورسیه نیز برای دریافت ارز دانشجویی همچنان با مشکلات زیادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، به گونه‌ای که در پی تعلل وزارت علوم در اعزام دانشجویان به خارج از کشور، دکتر ملاباشی رییس سازمان دانشجویان نیز به خبرنگار ایسنا گفته بود: بورسیه‌هایی که عجله دارند می‌توانند با هزینه شخصی اعزام شوند. وی افزود: دانشجویانی که کاندیدای بورسیه هستند در صورتی که برای رفتن عجله دارند، می‌توانند با هزینه شخصی اعزام شوند و ما نیز همزمان با دریافت بودجه، مقرری‌شان را پرداخت می‌کنیم. محمود ملاباشی در این رابطه تصریح کرد: با توجه به اینکه در حال حاضر بودجه کافی برای اعزام برخی از کاندیداهای بورسیه وجود ندارد، بنابراین این دانشجویان می‌توانند با هزینه شخصی بروند و پس از دریافت اعتبار بودجه ما هزینه آنها را پرداخت خواهیم کرد. پیش از این پیشنهاد «حذف ارز دانشجویی» در طرح ۹ ماده‌ای ارزی مجلس برای ساماندهی وضعیت ارزی کشور از سوی رییس کمیسیون اقتصادی مجلس مطرح شده بود ولی از سوی مسوولان بانک مرکزی و وزارت علوم تایید نشد، به گونه‌ای که مسلمی مدیر کل امور بورس و دانشجویان خارج وزارت علوم نیز گفته بود بانک مرکزی در این رابطه اعلام کرده برنامه خاصی در ارتباط با حذف ارز دانشجویی نداشته و دستوری نیز تاکنون صادر نشده است. در مجلس نیز واکنش به این موضوع متفاوت است، در حالی که سخنگوی هیات‌رییسه مجلس و رییس کمیسیون اقتصادی مجلس از توافق مجلس با وزرای اقتصادی برای حذف ارز دانشجویی و... خبر داده‌اند، اما زاهدی رییس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در این‌باره گفته بود که دانشجویان نگرانی نداشته باشند؛ زیرا تاکنون تصمیمی به جهت اجرا اخذ نشده است. همچنین مسوولان وزارت علوم با اتخاذ سیاستی دوگانه سعی در تکذیب توقف پرداخت ارز دانشجویی دارند. معاون بورس وزارت علوم با اعلام خبر آغاز توزیع ۳۸۰۰ معرفی‌نامه دریافت ارز تحصیلی تاکید کرد که ارایه ارز تحصیلی در بانک‌ها قطع نشده است. حسن مسلمی نایینی اضافه کرد: ارز تحصیلی ۳۸۰۰ دانشجو از جمعه ۳۱شهریور در ۱۲شهر کشور توزیع شد.

پنجره

مهلت ۶ ماهه مراکز و سایت‌های همسریابی برای کسب مجوز

■ **ایسنا:** مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی ازدواج و تعالی خانواده گفت: بعد از تصویب آیین‌نامه ماده ۴۳ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران که در مورد ساماندهی مراکز مشاوره ازدواج است به تمامی سایت‌ها و مراکز همسریابی بدون مجوز فرصت داده می‌شود تا ظرف مدت شش‌ماه از تاریخ ابلاغ آیین‌نامه نسبت به تعیین وضعیت خود اقدام کنند. مسعود امینی با تاکید بر اینکه هیچکدام از سایت‌های همسریابی مجوز فعالیت ندارند، اظهارکرد: دستگاه‌های نظارتی از وزارت ورزش و جوانان در مورد قانونی بودن فعالیت سایت‌های همسریابی استعلام کرده‌اند که در نامه‌ای به آقای خرم‌آبادی مشاور قضایی دادستان کل کشور و دبیر کارگروه تعیین مصادیق جرایم رایانه‌ای- پاسخ داده شد.

وعده دوباره مرتضوی برای افزایش حقوق بازنشستگان

■ **ایسنا:** سعید مرتضوی مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی و رییس هیات‌مدیره شستا افزایش حداقل حقوق بازنشستگان تا ۷۰۰هزار تومان را از برنامه‌های این سازمان عنوان کرد و گفت: این افزایش باید با پشتیبانی شستا هرچه زودتر انجام شود تا کسانی که حداقل‌های قانونی پرداخت بیمه و سنوات را در سازمان تامین اجتماعی داشته‌اند؛ حقوق و مزایای آنها کمتر از ۷۰۰هزار تومان نباشد.

پروتکل «سنجش الکل در رانندگان» نهایی شد

■ کارشناس دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت از نهایی‌شدن پروتکل سنجش الکل در رانندگان خبر داد و گفت: این پروتکل پس از اظهارنظر پلیس راهور به منظور اجرا در سراسر کشور، ابلاغ می‌شود. دکتر نادره معماریان ادامه داد: ممکن است میزان مصرف الکل در برخی استان‌ها بالا باشد که به این ترتیب به تجهیزات بیشتری برای سنجش الکل در رانندگان نیاز است و از طرف دیگر ممکن است میزان مصرف الکل در یک استان دیگر کم باشد و نیازی به تجهیزات زیاد نداشته باشد.

انتقاد آیت‌الله مکارم‌شیرازی از زندانی کردن مردان به دلیل مهریه

■ **ایسنا:** آیت‌الله مکارم‌شیرازی در دیدار با اعضای فراکسیون روحانیون مجلس شورای اسلامی درباره ازدواج و مهریه گفت: اگر مهریه عندالمطالبه و عندالقدره و الاستطاعه باشد، هیچ فرقی در شرع اسلام ندارد و نباید این دو مساله را از هم دیگر جدا کرد و عنوان کرد که عندالمطالبه قابل پیگیری است اما عندالاستطاعه قابل پیگیری نیست. در حالی که در شرع اسلام هر دو قابل پیگیری است و هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارد. وی گفت: جوان را به زندان می‌اندازند تا ثابت شود اعسار دارد، در حالی که این کار از نظر شرع اسلام درست نیست و نباید این افراد زندانی شوند. وی افزود: متاسفانه می‌بینیم در برخی از احکام مرد را محکوم می‌کنند تا زمانی که مهریه را کاملا به زن ندهد، زن حق دارد که به منزل مرد نرفته و از وی تمکین نکند و اگر ما حمل بر تقسیط مهریه نیز بگذاریم گاهی برای پرداخت یک مهریه کامل مرد به زن بیش از ۴۰ سال یا بیشتر زمان لازم است و مرد در این صورت هم باید اقساط مهریه و نفقه زن را بدون تمکین وی بپردازد که این از لحاظ شرعی مورد اشکال است. آیت‌الله مکارم‌شیرازی ادامه داد: شرع حکم می‌کند همزمان با پرداخت اولین قسط از بدهی مهریه مرد به زن، زن ملزم به تمکین مرد و بازگشت به منزل شوهر است.

تصویب آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی در هیات دولت

فارس: معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور از تصویب آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی در هیات دولت خبر داد. محمد نفریه با اشاره به بازنگری آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی اظهار داشت: پس از چند جلسه مستمر در سازمان بهزیستی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و همچنین با حضور کارشناسان این آیین‌نامه بازنگری شد. وی تصریح کرد: در بازنگری آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی به نکات قابل توجهی از جمله وظایف سازمان‌ها، دستگاه‌ها و همچنین بار مالی که در ادامه برای ساماندهی کودکان خیابانی به وجود می‌آید، توجه شده است. نفریه بیان داشت: در حال حاضر آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است و قرار است در چند روز آینده توسط وزیر به هیات دولت ارسال شود.

هزینه‌های درمانی ناباروری و نازایی تامین می‌شود

■ **فارس:** مدیرعامل شرکت بیمه تکمیلی آتیه‌سازان حافظ از تامین هزینه‌های درمانی ناباروری و نازایی خبر داد و گفت: محدودیتی در این بخش وجود ندارد. افشین مقصودی با اشاره به قراردادهای جدید شرکت بیمه تکمیلی آتیه‌سازان حافظ اظهار داشت: شرکت با برخی از مراکز درمانی خصوصی و دولتی تمدید قرارداد کرده است.